

در رمضان سال ۱۳۳۳ قمری = ۲ قوس ۱۲۸۳ شمسی در شهر «اورمیّه» بدینا آمد. پسر بزرگ و فرزند اول خانواده بود. تحصیلات مقدماتی را در زادگاه خود فراگرفت. از همان سنین کودکی عشق فراوان بخواندن و نوشتن داشت. پدرش «میر قاسم» خرده مالک بود و اهل علم نبود. ولی تشویق های فراوان پدر بزرگش در آن سنین بی تردید در او مؤثر بوده است. او از سنین کودکی دو سه حادثه جنگ و قحطی را در همان زادگاهش بخاطر می آورد و گاهی تعریف می کرد. پس از اتمام تحصیلات مقدماتی و فراگرفتن ادبیات فارسی^۱ به تکمیل معلومات خود پرداخت. ادبیات عربی (صرف و نحو و معانی و بیان و عروض و...) و علوم اسلامی (فقه و اصول و منطق و فلسفه و حدیث و رجال و...) را سال های سال در محضر اساتید دانشور آن شهر چون شیخ علی ولدیانی و دیگران فراگرفت و با آنکه بعلمت ضعف بنیه گاهی بیمار می شد و پزشکان او را از خواندن درس زیاد باز می داشتند، ولی او با عشق می خواند، تا آنکه در آن شهر بین دانشمندان مشهور و مشار بالبنان شد، و آیه الله فقید سید حسین عرب باغی او را - با آنکه در کسوت روحانیت نبود - بلقب «محدث» ملقب ساخت.

از آن پس برای بهره گیری از حوزه علوم اسلامی مشهد مقدس که در آن هنگام خصوصاً غنی و سرشار بود رخت سفر به آن شهر بست. در بین راه به «شبستر» وارد شد و با آنکه علمای آن شهر اصرار زیاد نمودند و همه گونه وسائل زندگی برای او مهیا کردند که حوزه علمی آن شهر را سرپرستی کند، ولی او نپذیرفت و به مشهد رفت. چهار سال از آن حوزه پر فیض بهره برد، تا آن که قضیه انقلاب مشهد پیش آمد که توسط حکومت فاسد رضاخان بشدت سرکوب شد، حرم حضرت رضا (ع) را گلوله باران کردند و مردم را در صحن قتل عام نمودند، و حوزه علمیه را تقریباً از هم پاشیدند. گروه زیادی از طلاب و مردم را گرفتند، و او که در آن موقع در یکی از حجره های «مدرسه میرزا جعفر» به تحصیل مشغول بود و در آن حادثه یکی دو شب را در زندان گذراند از کشتن و مصدوم کردن بی رحمانه طلاب توسط دژخیمان حکومت وقت، یاد می کرد.

پس از آن حوادث به تهران عزیمت نمود. مصمم بود که به نجف برود، ولی بالاخره در تهران به استخدام وزارت فرهنگ در آمد و به تبریز رفت و در دبیرستان نظام آنجا به تدریس پرداخت. در سال ۱۳۲۰ یا ورود روس ها به آذربایجان، او به تهران بازگشت و در کتابخانه ملی تهران با سمت رئیس قسمت مخطوطات بخدمت خود ادامه داد. در این هنگام بود که با مجالس روزهای جمعه سید نصرالله تقوی که مجالس علم بود رابطه یافت و با آن مرحوم آشنا شد که تصحیح و طبع دیوان حاج میرزا ابوالفضل طهرانی نتیجه آن دوستی است. توسط مرحوم تقوی با محمد قزوینی و پس از آن با عباس اقبال دوستی یافت. دوستی با سه دانشمند مذکور چنان مستحکم و خالصانه بود که مرحوم پدرم تا آخر عمر از آن یاد می کرد. در سال ۱۳۲۲ ش. ازدواج

مختصری از شرح حال استاد فقید* سید جلال الدین محدث ارموی

● دکتر علی محدث

نمود. در سال ۱۳۳۵ ش. بدعوت مکرر دانشکده معقول و منقول به آن دانشکده رفت و تا سال ۱۳۴۷ که بازنشسته شد در آنجا بتدریس اشتغال داشت. و گرچه حقوق بسیاری از او را پایمال کردند، ولی خود درباره آنها نمی اندیشید. او کلاس های دبیرستان و دانشگاه را هم گذرانده بود و در اکثر آنها رتبه اول را حائز بود. و در سال ۱۳۳۲ در رشته علوم منقول از دانشکده الهیات تهران دکتری گرفت. تا آخر عمر به تألیف و تصحیح کتاب سرگرم بود. آخرین روز عمرش (یعنی روز جمعه ۴ آبان ۱۳۵۸) صبح مرا خواست که فلان کتاب را از کتابخانه پیدا کن و بیاور. برایش بردم. و تا شب مشغول کار بود. نزدیک ساعت ۲ بامداد شنبه ۵ آبان ۱۳۵۸ ش = ۵ ذیحجه ۱۳۹۹ ق. به علت سکت قلبی جهان را بدرود گفت و در جوار آرامگاه ابوالفتح رازی آرام یافت. او در زندگی شخصی با افراد اندکی آمد و رفت داشت و آنان همه کسانی بودند که با علم نسبتی داشتند. از این جمله بجز دانشمندان مذکور در فوق، از رفتگان سید هادی سینا و عبدالحمید بدیع الزمائی کردستانی و از زندگان جمال الدین اخوی و جعفر سلطان القرائی را بخاطر می آورم. او در دوستی مخلص بود و همه وقت نام دوست را به نیکی و با احترام می برد. بسیار کم سفر بود. یک بار به سفر حج رفت. هر دو سه سال یک بار در تابستان به

مشهد میرفت. موقمی برای گرفتن عکس از نسخه خطی ایضاح فضل بن شاذان به قزوین سفر کرد که تامدتی از صدمه آن سفر رنجور بود. او عاشق علم بود. هر کتابی که برای تصحیح یا تألیف بدست می گرفت همه وجودش را بر سر آن می نهاد. بسیاری از ساعت های عمرش را فقط در چاپخانه ها گذرانده بود. در هنگام چاپ تفسیر گازر که پنج سال طول کشید اکثر روزها ساعت ها در چاپخانه میگذراند و در همانجا ناهاری مختصر می خورد. دقت او در تصحیح متون چنان بود که گاه هفته ها بر سر یک مشکل یا لغت تحقیق میکرد، بطوری که همه اطرافیان و دستیارانش را خسته میکرد ولی خود خسته نمی شد. هیچگاه در هیچ مجله ای مقاله ننوشت و فقط یک بار که شخصی کتابی را که او تنقیح نموده و پرداخته بود بنام خود منتشر ساخت، خواست مقاله ای بنویسد و حقیقت امر را بشناساند، اما با مشورت محمد قزوینی از آنها صرف نظر نمود. او به خاندان پیامبر عشقی شدید داشت و خدمتگزاری به آن خاندان را باعث افتخار خود می دانست. اجازات علمی فراوانی از اساتیدش کسب کرده بود و بدقت در صندوقچه ای نگهداری میکرد که حدود سی سال پیش صندوقچه را بسرقت بردند. و شاید کسی که آن را برده بود پنداشته بود که پر از جواهر است! پس از آن اجازات چندی از مشایخ دیگر گرفت، که از جمله اجازهای است از شیخ آقا بزرگ طهرانی و اجازهای از شیخ محمد علی معزی دزفولی. نتیجه عمر پر برکت ۷۵ ساله او یک سلسله کتب و متون معتبر است که همه از مآخذ مهم اسلامی و شیعی و ادبی شمرده می شود و گذشت روزگار جلوه آنها را افزون می نماید. در زیر فهرست آثار او را برترتیب سال طبع درج می نمایم.

فهرست آثار

۱۳۳۴ ش: تصحیح میزان الملل تألیف علی بخش میرزا قاجار به سال ۱۳۰۵ ق. مؤلف از فارغ التحصیل های دارالفنون بوده و این کتاب را بر رد جوانان غرب زده و مادی گرای دوره خود نوشته است. متن ۱۹۲ ص + ۸۸ ص مقدمه و تذیل.

۱۳۳۷ ش: تصحیح الصوارم المهرقه فی نقد الصواعق المحرقة تألیف قاضی نورالله شوشتری به سال ۱۰۱۹ ق. یکی از مهمترین تالیفات کلامی قاضی شوشتری است که بررد صواعق محرقة ابن حجر هیتمی نوشته است. ۳۴۰ ص.

۱۳۳۷ ش: تألیف فیض الاله فی ترجمه القاضی نور الله در شرح احوال قاضی شوشتری و خاندانش. این رساله کامل ترین شرحی است درباره زندگی قاضی شوشتری. ۱۲۳ ص که در مقدمه صوارم مهرقه چاپ شده است.

۱۳۳۷ ش: تصحیح اسرار الصلوة [ترجمه التنبیهای العلیه علی وظائف الصلوة القلییه] تألیف زین الدین شهید ثانی، ترجمه محمد صالح بن محمد صادق واعظ از علمای اواخر عهد صفویه، ۱۵۸ ص + مقدمه ای در معرفی کتاب.

۱۳۲۸ ش: تصحیح دیوان الحاج میرزا ابی‌الفضل الطهرانی متوفی در سال ۱۳۱۶ ق. ابوالفضل طهرانی ادیب و شاعر بزرگ یک قرن گذشته ایران است. ۴۰۸ ص + مقدمه‌ای در شرح حال شاعر و خدمات ایرانیان به زبان عربی در ۱۱۱ ص.

۱۳۲۹ ش: تصحیح التفضیل تألیف ابوالفتح محمد بن علی بن عثمان کراچکی متوفی در سال ۴۴۹ ق. درباره تفضیل امیرالمؤمنین علی (ع) بر همه جهانیان بجز پیغمبر (ص)، ۳۴ ص.

۱۳۲۹ ش: تصحیح التعریف بوجوب حق الوالدین از همان مؤلف، ۱۰ ص همراه با التفضیل چاپ شده است.

۱۳۳۰ ش: تصحیح المحاسن (در ۲ جلد) تألیف ابوجعفر احمد بن محمد بن خالد برقی متوفی در ۲۸۰ هـ، اولین کتاب از کتب خمسة حدیث شیعه، ۶۵۲ ص + مقدمه‌ای در اهمیت محاسن و عظمت مؤلف آن در ۶۰ ص.

۱۳۳۱ ش: تصحیح النقض (بعض مطالب النواصب فی نقض بعض فضائح الروافض) از تصانیف حدود ۵۶۰ هـ. تصنیف عبدالجلیل قزوینی رازی ۷۴۳ ص + ۱۵ مقدمه.

۱۳۳۱ ش: تصحیح زادالسالك تألیف محمد بن مرتضی ملقب به فیض کاشانی ۲۱ ص + ۱۲۴ صفحه در شرح آن.

۱۳۳۳ ش: استخراج فهرست کتاب تدوین رافعی. التدوین فی ذکر اخبار قزوین تألیف عبدالکریم بن محمد رافعی متوفی در ۶۲۲ هـ. از متون مهم تاریخی مربوط به قزوین است و این فهرست از روی نسخه عکسی کتابخانه اسکندریه استخراج شده است. ۱۰۳ ص + ۱۶ ص مقدمه.

۱۳۳۳ ش: تصحیح دیوان قوامی رازی از گویندگان نیمه اول قرن ششم هجری ۱۷۳ ص + ۱۱۲ ص مقدمه و تعلیقات.

۱۳۳۴ ش: تصحیح نجابت در ذکر احکام غیبت و تعریف توبه نصوص و شرایط و آداب آن تألیف شیخ ابومحمد بسطامی، ۱۴۸ ص + مقدمه‌ای درباره کتاب.

۱۳۳۴ ش: تصحیح دیوان سید فضل‌الله راوندی کاشانی از علمای بزرگ شیعه در قرن ششم هجری ۱۹۸ ص + ۱۵۳ ص مقدمه و تعلیقات.

۱۳۳۵ ش: تألیف مقدمه نقض و تعلیقات آن ۱۶۰ ص.

۱۳۳۶ ش: تألیف، کلید نقض یا فهرست بعض مطالب النواصب، همراه با فهرست مقدمه نقض و تعلیقات آن ۱۶۶ ص + ۴۰ ص.

۱۳۳۷ ش: تصحیح آثار الوزراء تألیف سیف‌الدین حاجی بن نظام عقیلی از تألیفات نیمه دوم سده نهم هجری، ۲۶۸ ص + ۲۶ ص، از انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳۳۷ - ۱۳۴۱ ش: تصحیح تفسیر گازر موسوم به جلاء الازهان و جلاء الاحزان تألیف ابوالمحاسن حسین بن حسن جرجانی در ۱۱ جلد (جلد یازدهم فهرست آن است). بیش از چهار هزار صفحه، با مقدمه‌ای در معرفی تفسیر و مفسر و خاتمه و تکمله‌ای

در ۱۶۴ ص.

۱۳۳۸ ش: تصحیح نسائم الاسحار من لطائف الاخبار در تاریخ وزراء تألیف ناصرالدین منشی کرمانی به سال ۷۲۵ هجری، از انتشارات دانشگاه تهران، ۱۲۰ ص + ۱۰۰ ص مقدمه + ۴۰ ص تعلیقات.

۱۳۳۸ ش: تصحیح مفتاح التحقیق تألیف شیخ محمدعلی معزی دزفولی، ۸۰ ص.

۱۳۳۸ ش: تصحیح نقایة الاصابة فیمن اجملت علیه العصابة تصنیف حاج میرزا ابوالفضل طهرانی، ۴۴ ص. این منظومه شرح ارجوزه رجالیه بحر العلوم علامه طباطبائی است که با این بیت آغاز میشود: قد اجمع الكل علی تصحیح ما یصح عن جماعة فیعلما

۱۳۳۹ ش: تصحیح شش رساله فارسی تألیف مولی محمد طاهر قمی، ۳۴۴.

۱- «معالجة النفس»
۲- «مباحة النفس»
۳- «ترجمة تنبيه الراقدین»
۴- «رسالة در صلوة»
۵- «رسالة در زکوة»
۶- «تحفة عباسی»

۱۳۳۹-۱۳۴۲ ش: تصحیح شرح فارسی غررالحکم و دررالکلم تألیف عبدالواحد بن محمد تیمی آمدی، شرح از جمال‌الدین محمد خوانساری، در ۷ جلد (جلدهفتم فهرست آن است). از انتشارات دانشگاه تهران. مجموع شش جلد ۳۲۲۰ ص + ۱۲۰ ص مقدمه، ج هفتم ۲۴۰ ص.

۱۳۴۰ ش: تصحیح تفسیر شریف لاهیجی تألیف بهاء‌الدین محمد بن شیخعلی شریف لاهیجی در ۴ جلد (جلدهای ۳ و ۴) بتصحیح مرحوم دکتر محمد ابراهیم آیتی است.

ج ۱: ۸۵۶ ص + ۱۰۰ ص مقدمه در معرفی تفسیر و مفسر.

ج ۲: ۹۴۵ ص، از انتشارات اداره کل اوقاف.

۱۳۴۲ ش: تصحیح رساله طینت از جمال‌الدین محمد خوانساری بضمیمه ج ۶ شرح غررالحکم چاپ شده است.

۱۳۴۲ ش: تصحیح شرح فارسی کلمات قصار پیغمبر خاتم ص (شرح شهاب - الاخبار) تألیف قاضی قضاعی، شرح از شارحی ناشناخته در قرن هفتم هجری. از انتشارات اداره کل اوقاف. ۲۷۴ ص + ۳۰ ص مقدمه.

۱۳۴۲ ش: اهتمام و طبع «رجال ابن داود» (تقی‌الدین حسن بن علی بن داود حلّی) ۶۲۰ ص.

۱۳۴۲ ش: اهتمام و طبع رجال برقی (احمد بن محمد بن خالد برقی) ۱۰۰ ص، دو کتاب مذکور در یک مجلد بوسیله سید کاظم موسوی تصحیح شده. از انتشارات دانشگاه تهران. (هدیه دکتر اصغر مهدوی به دانشگاه).

۱۳۴۳ - ۱۳۴۴ ش: شرح فارسی مصباح الشریعة و مفتاح الحقیقة از عبدالرزاق گیلانی (در ۲ جلد). ۵۲۶ ص + ۴۸ ص مقدمه. از انتشارات دانشگاه تهران

۱۳۴۴ ش: تصحیح رساله نیت از جمال‌الدین محمد خوانساری. ۵۴ ص به ضمیمه شرح مصباح الشریعه چاپ شده است.

۱۳۴۴ ش: تصحیح الرسالة العلیة فی الاحادیث النبویة تألیف کمال‌الدین حسین کاشفی بیهقی، ۳۷۴ ص + ۱۵۶ ص مقدمه و تعلیقات. از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۳۴۵ ش: اهتمام و طبع سه رساله در علم رجال

۱- توضیح الاشتباه والاشکال / تألیف محمدعلی ساروی

۲- رساله فی معرفة الصحابة / شیخ حر عاملی

۳- رجال قاین / محمدباقر آیتی بیرجندی

بتصحیح سید کاظم موسوی. از انتشارات دانشگاه تهران (هدیه دکتر اصغر مهدوی به دانشگاه).

۱۳۴۶ ش: اهتمام و طبع الفصول الفخریة فی اصول البریة تألیف نسابة معروف جمال‌الدین احمد بن غنیه مؤلف عمدة الطالب.

به تصحیح سید کاظم موسوی. با مقدمه‌ای از استاد فقیه محدث و مقدمه‌ای از استاد جلال‌الدین همایی، ۳۰۴ ص + ۴۴ ص.

۱۳۴۹ ش: تصحیح شرح المائة کلمة لأمیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) تألیف کمال‌الدین میثم بن علی بن میثم بحرانی، ۲۷۲ ص + ۱۴ ص مقدمه.

۱۳۴۹ ش: تصحیح شرح المائة کلمة لأمیرالمؤمنین علی بن ابی طالب (ع) تألیف عبدالوهاب، ۷۵ ص.

۱۳۴۹ ش: تصحیح مطلوب کل طالب من کلام أمیرالمؤمنین علی بن ابی طالب تألیف رشیدالدین وطواط ۵۰ ص. سه جلد کتاب مذکور در یک مجلد منتشر شده است.

۱۳۴۹ ش: تصحیح الاصول الاصلیة تألیف مولی محمد محسن فیض کاشانی

۱۳۴۹ ش: تصحیح الحق المبین فی تحقیق کیفیة التفقه فی الدین تألیف فیض کاشانی، ۱۶ ص. این دو رساله در یک مجلد بچاپ رسیده است.

۱۳۵۱ ش: تصحیح الايضاح تصنیف علم‌الدین فضل بن شاذان نیشابوری متوفی در سال ۲۶۰ هـ، ۵۰۴ ص + ۱۰۲ ص مقدمه + ۱۲۲ ص تعلیقات. از انتشارات دانشگاه تهران.

۱۳۵۲ ش: فردوس (در تاریخ شوشتر و برخی از مشاهیر آن) تألیف علاء‌الملک مرعشی شوشتری [پسر قاضی نورالله شوشتری شهید] ۱۴۴ ص + ۵۵ ص مقدمه + ۱۱۶ ص تعلیقات. از انتشارات انجمن آثار ملی.

۱۳۵۴ ش: تصحیح حکمت اسلام تألیف محمد صالح بن محمدباقر قزوینی، ۲۰۰ ص، از انتشارات بنگاه ترجمه و نشر کتاب.

۱۳۵۴ ش: تصحیح الغارات تألیف ابواسحاق ابراهیم بن محمد ثقفی کوفی متوفی در سال ۲۸۳ هـ (در ۲ جلد) ۶۳۳ ص + ۱۰۰ ص مقدمه + ۴۶۰ ص. تعلیقات و چاپ دوم این کتاب ۶ ماه بعد دوباره بوسیله انجمن آثار

۱۳۵۴ ش: تصحیح الدلائل البرهانية فی تصحیح الحضرة الغروية تألیف علامه جمال الدین ابی منصور حسن به مطهر حلی، ۴۸ ص. در تعلیقات الغارات چاپ شده است. (تعلیقه ۵۸).

۱۳۵۸ ش: تصحیح نقض تألیف عبدالجلیل قزوینی رازی [کتاب حاضر] با مقابله و تصحیح و تعلیقات مجدد - ۷۲۰ ص + مقدمه، از انتشارات انجمن آثار ملی.

۱۳۵۸ ش: تألیف تعلیقات نقض در ۲ جلد [کتاب حاضر] بالغ بر ۱۵۰۰ صفحه، از انتشارات انجمن آثار ملی.

مجموع آنچه یاد شد ۷۳ جلد کتاب و رساله است. جز اینها، آن استاد فقید کتاب‌های دیگری تألیف و یا تصحیح نموده و برخی از آنها را به چاپ رسانده، ولی بعض دیگر هنوز بطبع نرسیده و به صورت خطی باقی است که اهم آنها را در اینجا یاد می‌کنم:

۱- کشف الکربة فی شرح دعاء الندبة این کتاب نتیجه ۶۰ سال کار آن فقید است او به دعای ندبه عشق فراوانی داشت و از آغاز جوانی، خود به آن دعا اهتمام می‌نمود. و از چندین نفر استادان خود خواسته بود آن را شرح نمایند. که ایشان نیز خواسته او را اجابت نمودند و یکی از آنان آن را در اجزای منظوم ساخت. آن شروع در کتابخانه او موجود است و در ذریعه شیخ آقا بزرگ طهرانی معرفی شده است. خود آن فقید چون آن شروع را کافی و شافی نیافت از همان دوره جوانی به شرح دعای ندبه اهتمام ورزید و تا آخر عمر به آن مشغول بود. خصوصاً در اواخر عمر چند سالی مستقیماً به آن پرداخت، ولی از آنجا که آن مرحوم وسواس عجیبی داشت که مطلبی را فرو گذار نکند موفق نشد تألیف آن را خود بپایان برد و به چاپ رساند. اما تقریباً همه مشکلات آن را حل نموده و کارهای آن را انجام داده است. و ما امیدواریم در آینده نزدیکی به آن بپردازیم و آن را به چاپ رسانیم.

۲- شرح بر الاصول الاصلیة فیض کاشانی. شرحی است مفصل بر آن کتاب که آن مرحوم در جوانی نوشته و یکی دو بار در این اواخر مصمم به چاپ آن گشت، ولی این کار هم به مرحله عمل در نیامد.

۳- برگ سبز. جنگ نظم و نثر است. شروع تألیف آن ۱۰ مرداد ۱۳۳۹ ش.

۴- ایمان و رجعت (در ۴ جلد) موضوع آن اثبات رجعت است.

۵- تشریح الزلازل بأحادیث الافاضل.

۶- عشق و محبت.

۷- ترجمه وسیلة القرابة فی شرح الندبة.

پانوش:

* این مقاله برگرفته از مقدمه کتاب نقد علی‌محدث، انجمن آثار ملی، ۱۳۵۸

۱- در مدارس قدیم ادبیات فارسی را خوب تعلیم میدادند. و از پدرم کتابهایی چون گلستان سعدی و صد کلمه رشید وطواط (مطلوب کل طالب) و تاریخ معجم و کلیله و دره نادره را شنیدم که می‌گفت آنها را می‌خواندیم و تدریس میکردیم و خود او بسیاری از قسمتهای این متون را حفظ بود.

آقای دکتر وحید آخرت دوست که برپایی این همایش را بر سایر امور زندگی خود مقدم داشتند و با تمام نیرو چندین ماه است که مشغول تدارک این بزرگداشت می‌باشند، صمیمانه متشکرم. از سرکار خانم دکتر فاطمه مدرس دانشیار محترم و دانشمند دانشکده ادبیات دانشگاه ارومیه هم که از همان روزهای اول تشکیل این سمینار با کمک‌های فکری و علمی خود همراهی نموده‌اند، ممنونم.

از همشهریان عزیزم، مردم شریف ارومیه که تاکنون چهره‌های علمی افتخارآمیزی را پرورانده و به جامعه بشری تحویل داده و آوازه مهمان‌نوازی و خونگرمی و صفایشان معروف است و هم اکنون میزبان میهمانان این مراسم هستند، متشکرم.

راجع به کارهای علمی پدرم، دانشمندان محترم سخنان مبسوطی فرموده و خواهند فرمود و عزیزانی هم مقاله فرستاده‌اند که امیدوارم با لطفی که مسئولین محترم برگزارکننده این مجلس دارند، چاپ شود. بنده خودم را به هیچوجه لایق نمی‌دانم تا در این زمینه صحبت کنم اما اجازه می‌خواهم تا مختصری راجع به خصوصیات خلقی آن مرحوم به عرض برسانم. چه اهل بیت ادری بما فی‌البیت.

پدرم پیشانی اکثر کتاب‌هایی را که تصحیح و چاپ کرد با این فرموده گهربار مولای متقیان و امیرمؤمنان حضرت علی بن ابیطالب - علیه السلام - زینت بخشید که: «یا کمیل! مات خزان المال و هم احياء و العلماء باقون مابقی الدهر اعيانهم مقودة و آثارهم فی القلوب موجودة» ای کمیل! ثروت اندوزان و مال پرستان در حالی که زنده‌اند در حکم مردگانند، اما علماء تا زمانی که دنیا باقی است، زنده‌اند. کالبدهای آنان از بین رفته، اما آثارشان در قلب‌ها باقی مانده است.

بارزترین خصوصیت پدرم عشق و علاقه قلبی و بی‌ریا و شدیدش به دین اسلام و مذهب تشیع بود. روزی نبود که ایشان مطلبی از تاریخ اسلام برایمان نگویند و هیچ وعده غذایی در خانه ما خورده نمی‌شد، مگر این که ایشان از ائمه اطهار - علیه السلام - ذکری نکنند. صدها بار دین به دنیا فروشی شریح قاضی را به ما گفت. هر ساله در فاصله عاشورا تا اربعین - یعنی در هر روز این چهل روز - زیارت عاشورا را با صد لعن و صد سلام و با چشمان گریان در حالی که آرام آرام راه می‌رفت می‌خواند. به دعای ندبه عشق عجیبی داشت و این عشق را در کتابی که تحت نام کشف الکربة فی شرح دعاء الندبة نوشته نمایان کرده، افسوس که ثمره شصت سال عشق او هنوز به صورت خطی است و شرایط چاپ آن فراهم نشده. فراموش نمی‌کنم که در آن سال‌های مذهب‌زدایی، ایشان کتاب‌های الايضاح و الغارات را با تمام محظوراتی که برایشان داشت به امام زمان حضرت محمد بن الحسن العسکری - عجل الله تعالی فرجه - تقدیم کرد. نه تنها در این دو کتاب بلکه در تمام نوشته‌هایش از اداتش به خاندان پاک پیامبر هویدا است. در نصیحت نامه‌ای نیز به فرزندانش یادآوری می‌کند که در سخت‌ترین شرایط زندگی و هنگامی که تمام درها را به روی خود بسته ببینند به آخرین حجت خدا، حضرت ولی‌عصر - ارواحنا فداء -

خصوصیات

خلقی

پدرم



● میرهاشم محدث

(قرائت شده در همایش بزرگداشت زنده‌یاد دکتر

سیدجلال‌الدین محدث ارموی) ارومیه مرداد ماه ۱۳۷۸

بسم الله الرحمن الرحيم

«یرفع الله الذین امنوا منکم والذین اوتوا العلم

درجات والله بما تعملون خبير»

دولت جاوید یافت هرکه نکونام زیست

کز عقبش ذکر خیر زنده کند نام را

از جامعه روحانی و دانشگاهی، بانوان محترم و سروران عزیزی که با سخنرانی یا تشریف‌فرمایی یا ارسال مقاله به این مجلس، باعث شادی روح پدرم استاد فقید دکتر سیدجلال‌الدین محدث ارموی شده‌اند، سپاسگزارم.

از دانشمندان بزرگواری که وجود مبارکشان مایه مباهات ایران و ایرانی است و با گرفتاری‌ها و اشتغالات فراوانشان دعوت هیأت محترم علمی این همایش را پذیرفتند و با رنجه فرمودن قدم‌هایشان ما را سربلند ساختند کمال امتنان را دارم.

از مدیریت کل محترم اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان آذربایجان غربی حضرت آیت‌الله سپهری که با جدیت و علاقه باعث برپایی این مجلس باشکوه شدند، همچنین از دوست جوان عزیزم جناب